زنان در دورهٔ هخامنشی:

پاره‌ای ملاحظات مقدماتی

تورج دریایی

مقدمه

در زمانهٔ ما، تاریخ زنان از رشته‌های پرطرفدار به شمار می‌رود. تحقیق دربارهٔ زندگی زنان از دههٔ ۱۹۶۰ و تحت تأثیر جنبش زن‌محوری در غرب آغاز شد و اکنون پس از چهار دهه، از رهگذر پژوهشهای گسترده گوشه‌های تاریک تاریخ نیمی از اعضای نوع بشر آشکار می‌شود. البته تحقیق دربارهٔ زندگی زنان به دلایل متعدد دشوار بوده و هست. یکی اینکه منابع در این زمینه در مقایسه با منابع مربوط به زندگی و کار مردان بسیار اندک است و دیگر آنکه اکثر تاریخ‌دانان در چند قرن اخیر مرد بوده‌اند و بررسی مسائل تاریخی مربوط به زندگی زنان برایشان اولویت نداشته است. درحقیقت زنان بودند که جنبش جدید را پایه‌گذاری کرده و مطالعات مربوط به خود را رونق بخشیده‌اند. برای مردان اصولاً نوعی دسته‌بندی در مورد تاریخ و مسائل سیاسی مطرح بوده که در آن زنان نقش کم‌رنگی داشته‌اند. حتی در جوامع باستانی نیز به زنان کمتر توجه شده است؛ البته نه به این دلیل که زنان نقش مهمی در جامعه ایفا نمی‌کرده‌اند، بلکه در تصوّر تاریخ‌دانان مرد، زنان در چهارچوب تاریخ سنّتی دنیای باستان، حوزه‌ای متفاوت از مردان نداشته‌اند. برای مردان معمولاً نهادهای سیاسی و مسائل مرتبط با آن اهمیت داشته و به همین سبب مسائلی مانند خانواده و ازدواج نادیده گرفته شده است.[۱]

منابع مربوط به تاریخ زنان در دوران باستان در میان اقوام و مردمان کشورهای گوناگون ناهماهنگ است؛ برای مثال منابع دردسترس دربارهٔ زندگی زنان در یونان و روم و بین‌النهرین بیشتر از دیگر نقاط جهان است. در مورد ایران باستان، گرچه امروزه منابع متعددی در دست داریم، اما این منابع تاکنون گردآوری نشده تا روایتی جامع از تاریخ زنان مطرح شود. دو مانع اساسی دیگر نیز بر سر راه تحقیق دربارهٔ اوضاع و زندگی زنان در ایران باستان وجود دارد، که یکی در بررسی تاریخ زنان در بیشتر جوامع باستانی به چشم می‌خورد و دیگری مختص ایران است. مانند بسیاری از جوامع باستانی، بیشتر منابع کتبی و تصویری در ایران به قلم و دست مردان نوشته یا ساخته شده است. به این دلیل باید به داده‌های تاریخی که قطعاً بی‌طرفانه فراهم نشده با تأمل بیشتری نگریست، اما مشکل دیگر در مورد ایران باستان این است که به دلیل ملی‌گرایی در چند قرن گذشته از اوضاع زنان قبل از دوران اسلامی نوعی اسطوره‌سازی شده که چندان با واقعیتهای تاریخی مطابقت ندارد. مشکل دیگر در بررسی تاریخ زنان در ایران باستان این است که به‌درستی مشخص نیست که منظور از تاریخ زنان در ایران باستان تاریخ زنان عیلامی و لولوبی و دیگر اقوام بومی فلات ایران است، یا تاریخ زنان ایرانی‌تبار (ایرانی‌زبان) که بعدها به ایران کوچ کرده‌اند؟ قاعدتاً تمدن عیلامی و دیگر تمدنهای بومی اثراتی بر اقوام مادی، پارسی و دیگر اقوام ایرانی‌تبار گذاشته است، اما این موضوع چندان شناخته نیست و نیاز به تحقیقات بیشتری دارد.

توجه به پرسشهایی از این دست و تفحص بیشتر در منابع دید بهتری از دنیای زنان در ایران باستان به ما عرضه می‌کند، اما نباید از

حاشیه

1. A. D. Gordon, M. J. Buhle, N. S. Dye, "The Problem of Women's History," in *Liberating Women's History: Theoretical and Critical Essays*, ed. B. A. Carroll, Urbana: University of Illinois Press, 1976, pp. 75-92.

یاد برد که هر جامعهٔ باستانی ساختار ویژهٔ خود و ایده‌هایی متفاوت دربارهٔ رفتار و آداب زنان داشته که ساخته و پرداختهٔ آن جامعه بوده است.[۲] بسیاری از این قوانین بر پایهٔ مذهب حاکم بر جامعه بوده و بدین دلیل نیز لازم است که جوامع مشابه از نظر اجتماعی و اقتصادی اما متفاوت از نظر مذهبی به صورت جداگانه مطالعه شوند.

زنان ایرانی

اما بر سر راه بررسی تاریخ زنان ایرانی‌تبار مشکلات دیگری نیز وجود دارد که قصد داریم در این مقاله به بررسی آنها بپردازیم. در این مقاله همچنین می‌کوشیم منابع مربوط به تاریخ زنان، به‌ویژه زنان دورهٔ هخامنشی را بررسی کنیم. تاریخ زنان در ایران باستان همانندیهایی با تاریخ زنان یونان، روم، بین‌النهرین، هند و چین دارد. پس نخست باید مسائل مشابه جهانی را مدّ نظر قرار داد. نکتهٔ مهم اینجاست که تاریخ زنان ایران در دورهٔ باستان را نه با تاریخ دوران اسلامی، بلکه با تمدنهای همجوار ایران در همان دوره باید مقایسه کرد.

یکی از نخستین و مهم‌ترین پژوهشهای جدی دربارهٔ تاریخ زنان در ایران و بین‌النهرین باستان به قلم ی. زایبرت[۳] و جدیدترین کاری که دربارهٔ تاریخ زنان چاپ شده، کتابی با عنوان تاریخ زنان در چشم‌انداز جهانی،[۴] مجلدی است از مجموعه‌ای چندجلدی که به همّت انجمن مطالعات تاریخی امریکا به چاپ رسیده است. در نخستین مقالهٔ این مجموعه، نویسندگان نگاهی کلّی به تاریخ زنان در تمدنهای باستانی افکنده و در آن میان ایران را نیز از نظر دور نداشته‌اند. با بررسی این مقاله به کمبودها و کاستیهای بررسی تاریخ زنان در ایران باستان و همین‌طور همانندیهای آن با دیگر جوامع پی می‌بریم. نویسندگان این مقاله معتقدند که بررسی تاریخ زنان در خاورنزدیک باستان، به‌خصوص زنان دورهٔ هخامنشی بسیار دشوار است، زیرا بیشتر منابع مکتوب مربوط به این دوره به قلم یونانیان است که نظر چندان دوستانه‌ای نسبت به دشمنان خود یعنی ایرانیان نداشته‌اند. در اینجاست که با مشکل دیگری در زمینهٔ تاریخ زنان در ایران باستان مواجه می‌شویم و آن آشنا نبودن بیشتر پژوهشگران علاقه‌مند به تاریخ زنان با منابع دست اول است. مشکل دوم اینکه نمی‌توان تاریخ زنان در ایران باستان را یکسان و بدون تغییر و تحول انگاشت؛ برای مثال، تاریخ زنان در دورهٔ هخامنشی هیچ‌گاه همسان دورهٔ ساسانی نبوده و در هر دوره قوانین گوناگون جاری و اوضاع اجتماعی متفاوت بوده است. البته همانندیهایی نیز در میان طبقات اجتماعی ایران، به‌خصوص در این دوره‌ها، وجود داشته است، اما باید به یاد داشت که جامعهٔ ایران پس از دورهٔ هخامنشی با تأثیرپذیری از فرهنگ یونانی در دورهٔ سلوکی و دین زردشتی در دورهٔ ساسانی با دورهٔ هخامنشی بسیار متفاوت بوده است. دیگر موضوع مهم اینکه تاریخ زنان ایرانی یهودی و بودایی و مسیحی و زرتشتی و مانوی همسان نبوده است، چون هرکدام از این ادیان دید و قوانین متفاوت از یکدیگر دارند. در ضمن باید سنن محلی را نیز در نظر داشت، زیرا نمی‌توان گفت که اوضاع زنان در خراسان همانند پارس بوده است. همین‌طور گاهی حکومتهای محلی مانند حکام خاراسن و الیماییها، که تحت تأثیر فرهنگ یونانی‌مآبی بودند، جلوه‌ای دیگر از تاریخ را، به‌ویژه در میان طبقهٔ اشراف آشکار می‌کنند، که با تاریخ حکمرانان سیستان، که با فرهنگ بودایی و برهمنی نزدیک‌تر بودند، متفاوت است.

زنان هخامنشی

پرسش مهم دربارهٔ زنان در دورهٔ هخامنشی این است که تابع چه‌گونه قوانین مذهبی بوده‌اند؟ اگر منظور ما زنان پارسی باشد، باید دربارهٔ دین رسمی شاهنشاهی هخامنشی نظر دهیم و این کاری است بسیار پیچیده؛ اما بیشتر پژوهشگران بر این باورند که یشتها و وندیداد به صورتی که ما امروزه با آن آشنایی داریم در دورهٔ هخامنشی تدوین شده است؛ یعنی منظور دینی است که الیا گرشویچ در تقسیم‌بندی دین مزدیسنا دورهٔ «مزدیسنای اوستای نوین»[۵] می‌خواند و بین دورهٔ «مزدیسنای گاهایی» و «مزدیسنای ساسانی» قرار می‌گیرد.[۶]

آناهیتا: ایزدبانوی آبان در دنیای هخامنشی

در دنیای باستان در میان اقوام گوناگون با ایزدبانوانی روبه‌رو می‌شویم که با باروری (اینانا)[۷] یا با جنگ (آتنا و آرتمیس) مرتبط بوده یا کارکردهای دیگری داشته‌اند. آناهیتا (شکل ۱) در این میان کارکرد جالبی در ایران هخامنشی دارد، چون بسیاری از خویش‌کاریهای یادشده را داراست. دربارهٔ اهمیت آناهیتا در دورهٔ هخامنشی اطلاعات جالبی در دست داریم. نخست یشت پنجم که آبان‌یشت نیز نام دارد و حاوی چندین نکتهٔ جالب دربارهٔ دورهٔ هخامنشی است. در آبان‌یشت کارکرد آناهیتا چنین آمده است: آناهیتا پاک‌کنندهٔ تخم مردان است و زهدان زنان را برای زایش آلایش می‌دهد (۵,۲): اهورامزدا او را درکنار رود دایتیا در ایران‌ویج می‌ستاید (۵,۱۷) و پیشدادیان وکیانیان و پهلوانان از اوکامیابی

حاشیه

2. N. Morley, *Theories, Models and Concepts in Ancient History,* London and New York: Routledge, 2004, p. 96.

3. I. Seibert, *Women in the Ancient Near East,* Translated from the German by Marianne Herzfeld, Leipzig, 1974.

4. B. G. Smith, ed., *Women's History in Global Perspective,* Urbana: University of Illinois Press, 2005.

5. Younger Avestan Zarathustricism

6. I. Gershevitch, "Zoroaster's Own Contribution," *Journal of Near East Studies,* vol. 23, 1964, pp. 12-15.

۷. آیا احتمال نیست که واژگان «ننه» و «نینی» از نام الههٔ اینانا گرفته شده باشد؟



شکل ۱. نقش مهر استوانه‌ای که ایزدبانو آناهیتا را ایستاده بر شیر در مقابل شخصی پارسی در حال نیایش او نشان می‌دهد.

Fig. 1. Modern impression of a cylinder seal with the image of the goddess Anahita on a lion before a figure in Persian outfit.

می‌خواهند تا بر دشمنان خود پیروزی یابند و شهریاری کنند. تمام قشرهای جامعه از آناهیتا یاری می‌خواهند (۵,۸۶) و دوشیزگان و زنان باردار نیز از او یاری می‌طلبند. در آبان‌یشت آناهیتا این‌چنین توصیف می‌شود:

اردویسور آناهیتا از سوی آفریدگار مزدا برمی‌خیزد
بازوان زیبا و سپیدش
که به زیورهای باشکوه دیدنی آراسته است
به ستبری کتف اسبی است.[۸]
(۵,۷۸)

آنگاه اردویسور آناهیتا به پیکر دوشیزه‌ای زیبا
برومند، برزمند، کمر برمیان بسته، راست‌بالا، آزاده،
نژاده، بزرگوار، موزه‌هایی زرین در پا و به زیورهای بسیار آراسته. . .(۵,۱۲۶)

اردویسور آناهیتا همواره به پیکر دوشیزه‌ای جوان،
زیبا، برومند، برزمند، کمر برمیان بسته، راست‌بالا،
آزاده، نژاده و بزرگوار که جامهٔ زرین گرانبهای پرچینی
دربردارد، پدیدار می‌شود. . .
(۵,۱۲۷)

برسم بر دست گرفته، گوشواره‌های زرین چهارگوشه‌ای
از گوشها آویخته و گردن‌بندی بر گردن نازنین خویش بسته . . .
او کمر بر میان بسته است تا پستانهایش زیباتر بنماید و دلنشین‌تر شود
(۵,۱۲۸)

بر فراز سر اردویسور آناهیتا تاجی آراسته با یکصد ستاره جای دارد،
تاج زرین هشت‌گوشه‌ای که به‌سان چرخی ساخته شده
و با نوارها زیور یافته،
تاج زیبای خوش‌ساختی که چنبری از آن پیش آمده است
(۵,۱۲۹)

اردویسور آناهیتا جامه‌ای از پوست ببر پوشیده است،
از پوست سیصد ماده‌ببر که هر یک چهار بچه زاید . . .

این شکل و شمایل و کارکردهای آناهیتا باعث شد که باورهای بومی و بین‌النهرینی و حتی یونانی در پرستش این ایزد اثر گذارد. البته در غرب شاهنشاهی هخامنشی ویژگیهای الههٔ یونانی آناتیس با آناهیتا ادغام شد، اما به‌تازگی نشان داده شده که این آناهیتا بوده که تأثیر مهمی بر فرقهٔ آناتیس گذاشته است.[۹] در شرق شاهنشاهی ویژگیهای آناهیتا با الههٔ نانا ادغام شد و شکل دگرگون‌شده‌ای از او به وجود آمد. منابع یونانی حاکی از آن‌اند که در مرکز شاهنشاهی هخامنشی در زمان اردشیر دوم معابدی برای این ایزدبانو برپا شد و مجسمهٔ او در آنها جای گرفت. به گفتهٔ مری بویس توصیف شمایل آناهیتا در آبان‌یشت مدیون دستور اردشیر دوم هخامنشی است و به احتمال زیاد همان شکلی است که در معابد پرستش می‌شده.[۱۰]

یکی دیگر از کارکردهای آناهیتا در زندگی‌نامهٔ اردشیر دوم (درازدست) دیده می‌شود که پلوتارک آن را در ضمن شرحی از بر تخت نشستن این شاهنشاه هخامنشی آورده است. پلوتارک دربارهٔ کارکرد جنگی این ایزدبانو روایت مهم و جالبی آورده که همانند توصیف آبان‌یشت از آناهیتاست:

> شاه جدید به پاسارگاد رفت تا در آنجا آیین شاهی انجام دهد و از مغان پارسی تاج دریافت کند. در اینجا معبدی قرار دارد متعلق به یک الههٔ جنگجو که به نظر می‌رسد آتنا باشد. نامزد پادشاهی باید به داخل این معبد برود و زمانی که بالاپوش خود را کنار گذاشت باید آن چیزی را بپوشد که کورش بزرگ‌تر پیش از پادشاهی می‌پوشید. سپس باید یک کیک انجیری بخورد و چوبی را بجود و یک لیوان شیر ترش بنوشد.

بنابراین به نظر می‌رسد که در پاسارگاد معبد مهمی برای این ایزدبانو برپا بوده است. به روایت آبان‌یشت از این ایزدبانو برای فرمانروایی درخواست یاری می‌شده و در وصف آیین ستایش او چنین آمده است: با هوم آمیخته به شیر، با برسم، با زبان فرد و منثره (۲،۱۰۴). به نظر نگارنده در همانندیهای میان توصیف آبان‌یشت از آناهیتا با آنچه پلوتارک دربارهٔ این ایزدبانو گزارش کرده، نمی‌توان تردید کرد. از این رو می‌توان گفت که دست‌کم در زمان هخامنشیان، آناهیتا نقش مهمی در ساختار دینی شاهنشاهی ایران داشته است.

طبقه‌بندی زنان در دورهٔ هخامنشی

در این بخش، شایسته است در زمینهٔ منابعی که دربارهٔ زنان پارسی در

حاشیه

۸. جلیل دوستخواه، اوستا: کهن‌ترین سرودهای ایرانیان، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۷۰، ص ۲۹۸.

9. M. Brosius, "Artemis Persike and Artemis Anaitis," *Studies in Persian History: Essays in Memory of David M. Lewis*, eds. M. Brosius and A. Kuhrt, Achaemenid History XI, Ledien, 1998, p. 238.

10. M. Boyce, *Zoroastrians: Their Religious Beliefs and Practices*, New York: Routledge, 1979 (2004), pp. 62-63.

دورهٔ هخامنشی در دست داریم به بحث بپردازیم. جالب اینجاست که منابع ما در زمینهٔ زنان غیر سلطنتی چون زنانی از طبقات اشرافی و درباری بیشتر و موثق‌تر است. دلیل این نکتهٔ جالب اینکه منابع موجود دربارهٔ زنان درباری بیشتر از متون یونانی گرفته شده و از دید فرهنگ یونانی و ضدیت با هخامنشیان روایت شده است. فقط زمانی که منابع یونانی دربارهٔ ثروت زنانِ درباری سخن به میان می‌آورند می‌توان به این منابع اتکا کرد، اما همواره باید این نکته را آویزهٔ گوش داشت که گزارش اکثر منابع یونانی دربارهٔ زنان هخامنشی به دلیل خصومت یونانیان با ایرانیان مغرضانه است؛ مثلاً نمایشنامهٔ پارسیان به قلم آسخلوس که پس از حملهٔ خشایارشا به یونان تدوین شده داستانی است خیالی دربارهٔ دربار هخامنشی. چنین نمایشنامه‌ای برای بازشناسایی زنان هخامنشی تا چه اندازه به ما کمک می‌کند؟ در پاسخ باید گفت که این نمایشنامه بیشتر دربارهٔ دید مردم آتن و برداشت یونانیان از زنان ایرانی و نقش آنان در جامعهٔ پارسی است و با آنچه هزاران فرسخ دورتر در فلات ایران رخ می‌داده لزوماً تطبیق ندارد. از طرفی هم، نویسندگانی چون هرودوت و کتزیاس، با آنکه دیدی یونانی‌مآبانه داشتند، هنوز می‌توانند دانش ما را دربارهٔ زنان هخامنشی افزایش دهند.

زنان کارمند

بر پایهٔ گل‌نبشته‌های عیلامی باروی تخت‌جمشید، که تعداد زیادی از آنها را هَلَک خوانده، می‌توانیم دربارهٔ زنانی که در شاهنشاهی هخامنشی و به‌خصوص در فلات ایران و بین‌النهرین کار می‌کرده‌اند سخن بگوییم. اکثر این گل‌نبشته‌ها در زمان داریوش اول نگاشته شده و به اوضاع اداری و اقتصادی منطقهٔ اطراف تخت‌جمشید و سرزمین پارسه مربوط است. ما در این گل‌نبشته‌ها با چند لقب روبه‌رو می‌شویم که معنی آنها کاملاً روشن نشده، ولی می‌دانیم که به زنان مربوط می‌شده است. در متون عیلامی از دوگروه کارمند یاد می‌کنند که عبارت‌اند از پشاپ،[11] که به نظر می‌رسد در کار ماهر و دستمزدشان بالاتر از گروه دیگر بوده است و رئیس آنها زنی بوده ملقب به ارشارا پشابنا.[12] گروه دیگر، هارینوپ[13] نامیده می‌شدند، که هم کارشان آسان‌تر و هم دستمزدشان کمتر از پشاپها بوده است.[14] همچنین بر پایهٔ تقسیم‌بندی گل‌نبشته‌های بارو آنهایی که به «متون N» موسوم‌اند[15] گروهی از اسنادی مالی هستند که به مادران کارمند/کارگر (عیلامی: کورتاش[16]) تعلق داشته که به‌تازگی بچه‌دار شده بودند. این منابع نشان می‌دهند که زنانی که پسر زاده بودند در برابر مادرانی که دختر زاده بودند پاداش می‌گرفتند. این پاداشها معمولاً به صورت شراب پرداخت می‌شده و برای زنان پسرزا یک ماریش[17] و برای زنان دخترزا نیم ماریش در نظر می‌گرفتند.[18]

پرسش اینجاست که از این منابع مکتوب به چه اطلاعات تاریخی می‌توان دست یافت؟ با مرور این منابع به این نتیجه می‌رسیم که زنان در دورهٔ هخامنشی در تمامی سطوح جامعه فعال بوده و نه‌تنها در سمتهای گوناگون انجام وظیفه می‌کردند، ریاست گروههای مختلط را نیز بر عهده داشتند و در قبال وظایف مدیریتی خود، به اندازهٔ مردان دستمزد دریافت می‌کردند. با اینکه زنانی که دختر می‌زاییدند کمتر از زنانی که پسر می‌زائیدند حق زایمان می‌گرفتند، در اینجا شایسته است با مقایسهٔ وضعیت زنان کارمند هخامنشی با زنان بین‌النهرینی به پیشرفت حقوق زنان در جامعهٔ ایرانی اشاره کنیم. بدون اینکه به جزئیات بپردازیم، به نظر می‌رسد که زنان ایرانی دارای حقوق بیشتری بودند و با اینکه از لحاظ کاری همانند زنان بین‌النهرینی عمل می‌کردند، می‌توانستند در صورت نشان دادن شایستگی به مقام مدیریت و سرپرستی نیز برسند.

زنان اشرافی و خاندان سلطنتی

زنان اشرافی و ملکه‌ها یا زنان خاندان سلطنتی هخامنشی نمونه‌های مهمی بودند که مدّ نظر نویسندگان یونانی قرار گرفته‌اند.[19] در مورد زنان سلطنتی هخامنشی با اطلاعات جالبی روبه‌رو می‌شویم که مختص منابع یونانی نیست. برای مثال، بر پایهٔ گل‌نبشته‌های باروی تخت جمشید، دستمزد ایرداباما،[20] ثروتمندترین زن این دوره — با عنوان استثنایی اباموش —[21] از دربار هخامنشی حتی بیشتر از یکی از همسران داریوش اول بوده است.[22] هر دو گروه کارگر، یعنی پشاپ و هرینوپ یا کورتاش در استخدام ایرداباما بوده‌اند. دربارهٔ ایرداباما آگاهی اندکی در دست است، از جمله اینکه او سه ملک مجزا در ساتراپیهای گوناگون داشته و در آنجا از کارمندان و کارگران زن و مرد

حاشیه

11. paššap
12. araššara pašabena
13. harinup
14. M.Brosius, *Women in Ancient Persia (559-331 BC)*, Oxford: Oxford University Press, 1996, pp. 181-182.
15. R. T. Hallock, *Persepolis Fortification Tablets*, Chicago: The Oriental Institute, 1969.
16. kurtaš
17. marriš
18. Hallock, *op. cit.*, p. 37.
19. R. Wallenfels, *Seleucid Archival Texts in the Harvard Semitic Museum. Text edition and catalogue raisonné of the seal impressions* (Cuneiform Monographs 12), Grningen, 1998, p. 71.

برای مطالعات مهم دیگر رک.

P. Briant, *Bulletin of Achaemenid History*, II, p. 100.

20. Irdabama
21. abbamuš
22. Brosius, *op. cit.*, p. 182.

استفاده می‌کرده است. البته می‌توان حدس زد که او از خاندان سلطنتی هخامنشی بوده باشد.[23] همسر داریوش، آرتیستن، نیز زمینهای زیادی در اختیار داشته و معمولاً از دارایی او با عناوین «خانه یا کاخ زن» یاد می‌شود.[24] این اطلاعات اقتصادی از آنجا اهمیت دارد که نشان می‌دهد زنان می‌توانستند ملک و کارمند داشته و ثروتمند باشند و در دنیای ایرانی قانونی وجود نداشته که زنان را از فعالیتهای اقتصادی بازدارد. بنابراین می‌توان گفت که مقام و منزلت زنان ایرانی در جامعهٔ هخامنشی از زنان یونان و روم برتر بوده است.

آنچه منابع یونانی دربارهٔ وضعیت زنان سلطنتی ایران روایت می‌کنند تأییدی است بر ثروت آنان که در گل‌نبشته‌های بارو آمده است. البته منابع یونانی حاوی نظری منفی نسبت به زنان سلطنتی است و منشأ آن را باید در شیوهٔ تاریخ‌نگاری یونانی دانست که بر مبنای آن، این مورخان رکود و ضعف شاهنشاهی هخامنشی را به نقش زنان درباری نسبت داده‌اند.[25] به گفتهٔ سنچیزی ـ ویردنبورگ نمی‌توان به هیچ یک از روایتهای تاریخی یونانی دربارهٔ زنان سلطنتی هخامنشی کاملاً اطمینان کرد. یونانیان با حیله‌گر و شرور خواندنِ زنان هخامنشی، درحقیقت می‌کوشیدند ضعف پادشاهان هخامنشی را توجیه کنند که از نظر آنان در نیمهٔ دوم فرمانروایی هخامنشیان بازیچهٔ زنان دربار، مادر، همسر یا دخترانشان بودند. طبق این منابع، به‌خصوص در زمان خشایارشا، زنان در دربار اغتشاش و مردان را فرمانبردار و بازیچهٔ هوسهای خود کرده بودند.[26] با توجه به نقش زنان در جامعهٔ یونانی، این دیدگاه «منفی» مورخان یونانی نسبت به زنان هخامنشی شفافیت بیشتری می‌یابد. در یونان زنان می‌بایستی از مردان دستور می‌گرفتند چنان‌که به گفتهٔ ارسطو سکوت بهترین کار یک زن بود. به نظر آتنیها زنان را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد. آنهایی که مادرانِ مردان بودند، دیگر آنان که جهت تفریح مردان را همراهی می‌کردند (هتایرا[27]) و سرانجام آنهایی که برای لذایذ جنسی از آنها استفاده می‌شد (پُرونای).[28] پس طبیعی است که یونانیان با چنین نگاه تحقیرآمیزی به زنان خود، افول شاهنشاهی هخامنشی را به زنان دربار ایران نسبت دهند.

در متون یونانی به نام عدهٔ زیادی از شهبانوان و زنان خاندان سلطنتی هخامنشی برمی‌خوریم. برای مثال، به گفته هرودُت، کمبوجیهٔ یکم، پدر کورش بزرگ، با ماندانا، دختر آخرین شاه ماد، آستیاگ ازدواج کرد.[29] همچنین کورش بزرگ نیز با دختر دیگر آستیاگ به نام آمتیس[30] و کاساندان دختر فرنسپ ازدواج کرد.[31] فرزند او کمبوجیه رکسانا را به همسری گرفت[32] و داریوش بزرگ برای استحکام موقعیت خود با چند تن از دختران خاندان اشراف پارسی ازدواج کرد و دختران خود را به اشراف خاندانهای پارسی داد، اما پیش از آن با آتوسا دختر کورش بزرگ ازدواج کرد.[33] پسر داریوش بزرگ، خشایارشا با آمستریس[34] و اردشیر اول با داماسپیا[35] و داریوش دوم با پریسا (پروشات)[36] و اردشیر دوم با استاتیرا[37] و داریوش سوم با استاتیرای دیگری ازدواج کرد.[38] این زنان همه از خاندان سلطنتی بودند.

متون عیلامی و بابلی نیز دربارهٔ «مادرشاه»،[39] و «همسرشاه»،[40] و «دختر شاه»،[41] و به طور کلی «زنانِ کاخ»[42] اطلاعاتی به ما می‌دهند. اما نخست شایسته است به متون یونانی نظر افکنیم و ببینیم که این متون چه مسائلی را دربارهٔ زنان درباری مطرح می‌کنند. در این متون معمولاً از نگاه داشتن زنان در حرم شاهی سخن به میان می‌آید و اینکه زنان درکاخ و دربار چندان حاضر نمی‌شدند. این روایت درست نمی‌نماید، زیرا اطلاعات دقیقی در دست است که برخی از زنان دربار ایران شاهنشاه را در جنگ و مسافرت همراهی می‌کردند.

اما یونانیان تا چه حد دربارهٔ دربار هخامنشی اطلاع داشتند؟ مهم‌ترین منابع در این باره گزارشهای کتزیاس و هرودت است. امروزه می‌توان گفت هر چند روایت کتزیاس مهم می‌نماید، نباید فراموش کرد که بسیاری از داستانهای پرشاخ‌وبرگ او دور از حقیقت است و برای خوانندگان یونانی نوشته شده؛ به همین دلیل کتزیاس از داستان‌پردازی نه تنها دوری نکرده، بلکه برای هر چه جالب کردن موضوع، به آن

حاشیه

23. Brosius, *op. cit.*, pp. 142-143.

۲۴. بنگرید به Sal ša É. Gal,É
M. Stolper, *Entrepreneurs and Empire: The Murašû Archive, Murašû Firm, and Persian Rule in Babylonia*, Leiden, 1985, p. 62.

25. H. Sancisi-Weerdenburg, "Exit Atossa: Images of Women in Greek Historiography on Persia," *Images of Women in Antiquity*, A. Camberon and A. Kuhrt, eds., London: Routledge, 1983 (Revised and reprinted 1993), p. 20.

26. *Ibid.*, p. 21.

27. Hetairai

28. Pornai

29. Herodotus, I.107.1: Xenephon, *Cyropaedia*, I.2.I

30. FGrH 688 F9 (2).

31. Herodotus, 3. I.I.

32. FGrH 688 F 13 (12)

33. Herodotus, 3. 88.2.

34. Herodotus 7, 61, 2.

35. FGrH 688 F 15 (44)

36. FGrH 688 F 15 (44)

37. FGrH 688 F 15 (53)

38. Plutarch, Alexander, 30. 3.

39. AMA LUGAL; ummi šarri

40. aššat šarri

41. mārat šarri

42. ša ekalli

شاخ‌وبرگ نیز داده است. دربارهٔ هرودت نیز می‌توان گفت که او هرگز خود به مرکز شاهنشاهی هخامنشی نرفت و فقط شنیده‌های خود را به رشتهٔ تحریر درآورد و از این‌رو به گفته‌های او دربارهٔ زنان درباری پارسی باید به دیدهٔ تردید نگریست. از آن مهم‌تر جوّ اجتماعی یونان در زمان این نویسندگان است که خواه‌ناخواه نوشته‌های مورخان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. باید به یاد آوریم که مردسالاری شدیدی در آتن جریان داشت که نه تنها با دنیای ایرانی متفاوت بود، بلکه با اوضاع اجتماعی و آزادی نسبی زنان در شهر اسپارت نیز تفاوت داشت. چون در جامعهٔ آتن نام و شرف خانواده[۴۳] بایستی پاک می‌ماند، زنان اشراف پس از ازدواج معمولاً تا پایان عمر در اندرونی[۴۴] خانه به سر می‌بردند و به‌ندرت از خانه خارج می‌شدند. به احتمال زیاد این دید یونانی بر متونی که دربارهٔ زنان هخامنشی و حتی اسپارتی نوشته می‌شد اثر گذاشته و در نتیجه زنان قدرتمند به صورت زنان توطئه‌گر در حرم (همان اندرونی یونانی) و دربار توصیف شده‌اند، که در پشت پرده آشوبگری می‌کنند. این توصیف با آنچه دربارهٔ همسر کمبوجیه می‌دانیم که همراه سپاه همسرش در مصر بود یا باگزارش کتزیاس مبنی برکشته شدن همسر اردشیر اول، داماسپ، در جنگ کاملاً تناقض دارد. همچنین در متون یونانی اتهامات متعدد به زنان هخامنشی زده شده؛ مثلاً آمیتیس، دختر خشایارشا بدین‌سبب که با همگان همخوابی می‌کرده سرزنش و پریسا (پروشات) همسر داریوش دوم به صورت زنی خطرناک و جسور توصیف شده است. همچنین دربارهٔ آرتیستُن (پارسی باستان آرتاستونا)، یکی از دختران کورش که با داریوش ازدواج کرد، نظر منفی ابراز شده است.[۴۵]

اما در متون عیلامی بارو از آرتیستُن[۴۶] با عنوان شهبانویی قدرتمند[۴۷] یاد شده که در سرزمین پارسه چند کاخ داشته.[۴۸] دو زن دیگر با نام آپاما در قرن چهارم ق‌م زندگی می‌کردند که یکی دختر اردشیر دوم بود و به نامزدی پرنسید، ساتراپ فریژه، درآمد و دیگری نوهٔ اردشیر دوم بود که به دست اسکندر مقدونی اسیر شد و با یکی از فرماندهان او به نام بطلمیوس ازدواج کرد. یکی دیگر از زنان دورهٔ هخامنشی به این نام، دختر اسپیتمات در بلخ بود که پس از شکست از اسکندر، همسر سلوکوس اول شد.[۴۹] همچنین باید از آرتازستر،[۵۰] دختر داریوش اول نام برد که با شوهر خود مردونیوس در لشکرکشی به مقدونیه شرکت کرد.[۵۱]

تصاویر زنان هخامنشی در اشیای بازمانده از دورهٔ هخامنشی

به سبب کم‌شمار بودن تصاویر زنان در هنر بازمانده از دورهٔ هخامنشی گروهی بر این باورند که زنان پارسی در این دوره در حرم شاهنشاهی نگاه داشته شده و نقش مهمی ایفا نکرده‌اند، اما باید پرسید به چه دلیل باید زنان در هنر سلطنتی پدیدار شوند؟ باید نخست به ویژگیهای هنر در دورهٔ هخامنشی نظر انداخت تا دلیل کم‌شمار بودن تصویر زنان در هنر آن دوره را دریافت. هنر سلطنتی هخامنشی هنری است که نه بر مبنای یک قاعدهٔ پارسی، بلکه با استفاده از هنر بسیاری از اقوامی که در آن شاهنشاهی زندگی می‌کردند شکل یافته بود. از لحاظ معماری می‌دانیم که هخامنشیان نوعی معماری تلفیقی را شکل دادند که دارای مؤلفه‌هایی بود از لودیه، آشور و یونان در چارچوب سنتهای قدیم‌تر ایرانی. درحقیقت هخامنشیان نه به دنبال نمایش زندگی روزمره، بلکه در پی شاهانه نشان دادن خود و عظمت شاهنشاهی خود بودند. برای همین نباید انتظار داشت که زنان بر روی دیوارهای کاخها تصویر شوند، بلکه نظم و سپاه و خراجگذاران و قدرت شاهنشاه مورد نظر هنر سلطنتی بود. با این همه، برخی از تصاویر را در هنر هخامنشی می‌یابیم که نه درکارگاههای سلطنتی بلکه در آثار هنری ظریفهٔ این دوره خود را به نمایش می‌گذارد. مثلاً بر روی مهرهای بازمانده از دورهٔ هخامنشی تصاویر زنان فراوان به چشم می‌خورد. مثلاً زنانی را می‌بینیم که درکنار مردان در حال گفتگو هستند (شکل ۲) و یا مادری که درکنار دختر خود نشسته است (شکل ۳). همچنین مهرهای دیگری را می‌بینیم که زنان را در حال نواختن چنگ یا حمل خوراک برای اشرافزاده‌ای نشان می‌دهد.[۵۲] بر روی یک مهر مسطح نقشی را از یک بانوی درباری هخامنشی می‌بینیم که گلی در دست دارد (شکل ۴). از همه معروف‌تر یافته‌ای است از پازیریک که بر روی آن نقش دو بانوی درباری و ندیمه‌های آنان دیده می‌شود (شکل ۵).[۵۳] در آناتولی ما با نقش‌برجسته‌هایی روبه‌رو می‌شویم که در آنها زنان هخامنشی حک شده‌اند (شکل ۶ و ۷). پس می‌توان گفت نه‌تنها در مرکز، بلکه در بسیاری از ساتراپیها نیز زنان تصویر شده‌اند.

زنان و قوانین زرتشتی

برای شناخت دین شاهان هخامنشی لازم است به منابع گوناگونی توجه

حاشیه

43. *oikos*
44. *andron*
45. Herodotus, VII. 69.2.
46. Hallock, *op. cit.*, p. 705a.
47. du-uk-š i-iš
48. R. Schmitt, "Artystone," *Encyclopaedia Iranica*, ed. E. Yarshater, Vol. II, 1987, p. 665.
49. A. Sh. Shahbazi, "Apamā," *Encyclopaedia Iranica*, ed. E. Yarshater, Vol. II, 1987, p. 150.
50. Artazostre
51. Herodotus VI. 43.
52. P. Amiet, *L'art antique du Proche-Orient: L'art de les grandes civilizations*, Paris, 1977, p. 440.
53. S. I. Rudenko, *Frozen Tombs of Siberia: The Pazyryk Burials of Iron Age Horsemen*, London, 1970, pp. 296-297.



شکل ۴. یک مهر مسطح که نقش بانوی درباری هخامنشی را با گل در یک دست و پرنده‌ای در دست دیگر نشان می‌دهد.

Fig. 4. Stamp seal with the image of a noble Achaemenid woman with a flower in one hand and a bird in the other.



شکل ۲. نقش مهر مسطح که زن و مردی ایرانی را در حال گفتگو نشان می‌دهد.

Fig. 2. Modern impression of a stamp seal with the image of a couple in Iranian outfit.



شکل ۵. نقش بافته‌ای از پازیریک که دو بانوی درباری هخامنشی را به همراه ندیمه‌هایشان نشان می‌دهد.

Fig. 5. Rendering of a textile from Pazyryk with the image of two noble Achaemenid women and their maids.



شکل ۳. نقش مهر مسطح که یک زن ایرانی را با دخترش نشان می‌دهد.

Fig. 3. Modern impression of a woman in Iranian outfit and her daughter.



شکل ۶. نقش‌برجسته‌ای از داسکلیون در شمال‌غربی آناتولی که بانوی درباری هخامنشی را به همراه همسرش (به‌احتمال فرماندار منطقه‌ای) نشان می‌دهد.

Fig. 6. A relief from Dasklyon in northwest Anatolia with the image of a noble Achaemenid woman accompanying her spouse (presumably the local governor).

کنیم. از یک سو هاونهایی که در تخت جمشید یافت شده و دارای متنهایی به زبان آرامی است نشان می‌دهد که در آن دوره مانند آنچه در اوستا آمده، مراسم هوم اهمیت داشته است. اگر نظر مارتین شوارتز را بپذیریم سابقهٔ اجرای مراسم هوم به دوران قبل از اصلاحات زرتشت می‌رسد. از طرفی هم، اگر به آنچه هرودت درکتاب خود (۱۳۸ـ۱۳۶) دربارهٔ نظافت و راندن یا از بین بردن موجوداتی گفته که خرفستر نام دارند توجه داشته باشیم می‌توان نتیجه گرفت که در دورهٔ هخامنشی وندیداد نیز شناخته شده و بخشی از قوانین مذهبی شاهنشاهی به شمار می‌رفته و بی‌گمان زنان پارسی نیز از آن پیروی می‌کرده‌اند. برای آگاهی از قوانینی که به زنان مربوط می‌شود، می‌توانیم به فصلهای مربوط به این موضوع در *وندیداد* مراجعه کنیم. در *وندیداد* نه‌تنها روابط صحیح بین زنان و مردان، بلکه آداب نظافت و پرهیز از هر نوع آلودگی شرح داده شده است. وندیداد مشتمل است بر بیست و دو فرگرد یا فصل که مسائل گوناگونی را در بر دارد. فرگرد چهارم (۲۴) دربارهٔ آداب زناشویی است. در فرگرد هفتم (۴۲) دستمزد پزشک برای درمان زنان ذکر شده است. آنچه در این قسمت جالب می‌نماید تفاوت دستمزدِ درمان بانوی خانواده، همسر دهخدا، همسر شهربان و شهربانو است که حاکی از وجود جامعه‌ای طبقاتی است که جزئیات آن بر ما روشن نیست. در فرگرد دوازدهم دربارهٔ آلودگی و پاکیزه کردن تن انسان سخن رفته. در فرگرد پانزدهم دربارهٔ گناه همخوابگی با زن دشتان یا زن باردار بیش از چهارماه و ده روز سخن رفته است. اگر در نتیجهٔ این آمیزش آسیبی به زن یا کودک وارد شود طبق *وندیداد*، آن مرد سزاوار مرگ است. پس در اینجا می‌بینیم که برای اولین بار قوانینی برای مراقبت از زن باردار و جنین به میان آمده است. دیگر اینکه پدر موظف است تا زاده شدن کودک از زن باردار نگهداری کند چه همسر او باشد چه نباشد و اگر این کار را نکند گناهکار است و مجازات می‌شود. فرگرد شانزدهم دربارهٔ دشتان و قوانین ساخت دشتانستان یا محل قرنطینهٔ زن در زمان عادت ماهیانه است. باید به یاد داشت که این قوانین مشابه قوانینی است که در دین یهود نیز وجود دارد و هم‌زمان در دورهٔ هخامنشی از آن پیروی می‌شده است. در آن دوره مغان ناظر بر اجرای قوانین دینی بودند و این قوانین بخشی از سنتهای پارسیان به شمار می‌رفت. اما دقیقاً نمی‌دانیم که تا چه اندازه این قوانین اجرا می‌شده است. طبعاً کسانی که متدین بودند از این قوانین پیروی می‌کردند. از سوی دیگر اجرای قوانین به قدرت و نفوذ مغان نیز بستگی داشت، که در سراسر دورهٔ هخامنشی یکسان نبود، مثلاً طی پادشاهی داریوش بزرگ مغان را آزار و اذیت می‌کردند و طبعاً آنها نمی‌توانستند بر اجرای دستورات دینی نظارت کامل داشته باشند.



شکل ۷. نقش‌برجستهٔ دیگری از داسکلیون که بانویی اشرافی را بر اسب نشان می‌دهد.
Fig. 7. A relief from Dasklyon with the image of a mounted noble woman.

ازدواج با نزدیکان

یکی از مسائل جنجالی دربارهٔ ایران باستان مبحث ازدواج با نزدیکان است.[۵۴] در منابع متعددی از این نوع ازدواج در ایران و مصر باستان سخن رفته است. در مورد مصر باید گفت که حتی در قرن دوم میلادی زمانی که رومیها ازدواج خواهر و برادر را غیرقانونی می‌دانستند، طبق آمارگیری خود آنها هنوز بیش از ۱۸٪ مردم مصر این نوع ازدواج را انجام می‌دادند. البته دربارهٔ ایران چنین آماری در دست نداریم، ولی نه‌تنها متون مذهبی زرتشتی این نوع ازدواج را صواب می‌دانند، بلکه متون به‌دست‌آمده از اورامان و به‌تازگی متون بابلی و به‌خصوص متون یونانی این نوع ازدواج را در ایران تأیید می‌کنند.[۵۵]

در دورهٔ هخامنشی می‌توان از آتوسا دختر کورش بزرگ یاد کرد که با برادرش کمبوجیه و بعد با برادر دیگرش بردیا ازدواج کرد و بعد همسر داریوش شد و خشایارشا از او زاده شد. همچنین اردشیر دوم با دختران خود به نامهای آتوسا و آستریس ازدواج کرد.[۵۶] در اینجا می‌توان این پرسش را مطرح کرد که کارکرد این نوع ازدواج چه بوده و چرا خاندان سلطنتی دست به چنین کاری می‌زده‌اند؟

حاشیه

۵۴. دستور سنجنا، پژوهشگر پارسی هند، در مقاله‌ای مفصل سعی در رد چنین ازدواجی کرده:

D. P. Sanjana, "The Alleged Practice of Consanguineous Marriages in Ancient Iran," *D. P. Sanjana: Collected Work*, Bombay, 1932, pp. 462-499.

برای جدیدترین مقاله در این مورد بنگرید به

R. N. Frye, "Zoroastrian Incest," in *Orientalia Josephi Tucci Memoriae Dicate*, G. Gnoli and L. Lanciotti, eds., Rome: Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente, 1985, pp. 445-455.

و همچنین رک. ع. شاپور شهبازی، «افسانهٔ ازدواج با محارم در ایران باستان»، مجلهٔ *باستان‌شناسی و تاریخ* ۲۹ و ۳۰ (۱۳۸۰): ۹ تا ۲۸.

۵۵. تمام اشارات به این نوع ازدواج را در متون یونان بوچی جمع‌آوری کرده است:

O. Bucci, "Il Matrimonio fra consanguinei," *Apollinaris*, vol. 51, 1978, pp. 291-319.

56. J. K. Choksy, *Evil, Good, and Gender, Facets of the Feminine in Zoroastrian Religious History*,, New York: Peter Lang, 2002, p. 77.

به نظر من ازدواج با نزدیکان نقش چندهمسری[57] را در میان خاندان هخامنشی ایفا می‌کرده است. دلیل چندهمسری داریوش این بود که او می‌خواست با این کار بین خود و دیگر بزرگان پارسی اتحاد برقرار کند و بدین‌سان قدرت خود را استوار سازد. در غیر این صورت دیگران می‌توانستند با ازدواج با دختر شاهنشاه مدعی تاج‌وتخت شوند. به همین دلیل شاهان دختران و دیگر زنان خاندان خود را به کسانی می‌دادند که چندان احتمال دستیابی به تاج‌وتخت شاهی را نداشته باشند یا با خاندانهای دوردستی از فلات ایران وصلت می‌کردند تا وفاداری آنان را به حکومت مرکزی تضمین کنند. بنابراین، شاهان هخامنشی با زنان خاندان خود (خواهران و دختران) ازدواج می‌کردند تا مبادا دیگر بزرگان و سرداران ایرانی با ازدواج با آنها مدعی تاج‌وتخت شوند.

به نظر من دلیل اینکه پس از داریوش شاهان هخامنشی با خواهران خود ازدواج می‌کردند پیروی از قوانین زرتشتی نبود. بلکه آنان با این کار مانع از این می‌شدند که خاندان دیگری بتواند با چنین وصلتی ادعای شاهی کند و قدرت را در دست گیرد. داریوش بزرگ با ازدواج با دختران کورش بزرگ توانست قدرت را از خاندان چیش‌پش به خاندان خود منتقل کند. ولی پس از داریوش خانوادهٔ هخامنشی برای مواظبت از زنانِ خاندانِ خود فقط دختران یا زنان طبقات فروتر را به نزدیکان و ساتراپهای خود می‌دادند تا وفاداری آنان را به حکومت مرکزی تضمین کنند و زمانی که زنان خاندان سلطنتی وارد خاندان دیگر می‌شدند، نقش جالب دیگری را نیز ایفا می‌کردند، که میانجیگری میان دو خاندان بزرگ بود.[۵۸]

زنان هخامنشی و اهمیت آنها برای نهاد شاهی در ایران باستان

از آنجا که در اوائل دورهٔ هخامنشی بر سر تاج‌وتخت جدال بود، زنان هخامنشی در مشروعیت بخشیدن به مدعی تاج‌وتخت نقش مهمی ایفا می‌کردند. این نقش مهم دربارهٔ ماندانا دختر آستیاگ شاه ماد، که مادرکورش بزرگ بود، گزارش شده است. به‌گفته هرودَت شبی آستیاگ در خواب دید که دریاچه‌ای سراسر شهر او (اکباتانا) و آسیا را دربر گرفته است. مغان این خواب را چنین تعبیرکردند که فرزند ماندانا ممکن است جانشین او شود. بنابراین آستیاگ چنین تصمیم می‌گیرد که دختر خود را به کمبوجیه بدهد. خواب دوم آستیاگ جالب‌تر است. او خواب می‌بیند که تاک یا درخت مو از فرج ماندانا در آمده و تمام آسیا را در برگرفته است. آستیاگ برای پیش‌گیری از خطر به هارپاگوس دستور می‌دهد که پس از زاده‌شدن کورش او را به قتل رساند.[۵۹] تعبیر خواب دوم آستیاگ در بررسی تاریخ زنان هخامنشی بسیار سودمند است. تعبیر این خواب چنین است که کسی که از رحم زنی از خاندان شاهی در آید می‌تواند تاج‌وتخت را از آنِ خود کند. به همین سبب در عهد باستان ازدواج با چنین زنانی می‌توانست حقانیت سلطنت را نصیب شوهر کند. به همین دلیل نیز داریوش نه‌تنها با تمام دختران کورش بزرگ بلکه با دخترانِ بزرگانِ خاندانهای اشرافی پارسی نیز ازدواج کرد. او پس از سرکوب شورش گئوماته با آرتیستن جوان‌ترین دختر کورش بزرگ و خواهر دیگر او آتوسا و همین‌طور آرتابما دختر گوبریاس و پارمیس دختر بردیا و آپامه ازدواج کرد. دلیل این کار داریوش این بود که با پیوند با دختر کورش بزرگ خود را وارث آن خاندان کرد. علاوه بر این، داریوش با ازدواج با دختر بردیا سعی در نشان دادن این موضوع داشت که پس از بردیا، که شاید همان گئومانه بوده باشد، وارث خاندان کورش و چیش‌پش است. او سپس با ازدواج با دخترانِ خاندانِ اشرافی موقعیت خود را استوارکرد و خاندانهای بزرگ پارسی را زیر سلطهٔ خود درآورد. این حقیقت ما را با مسئلهٔ چندهمسری روبه‌رو می‌کند که پیشتر به آن اشاره کردیم. ما از رواج این کار در سطح جامعه اطلاع دقیقی نداریم، اما به نظر می‌آید که این کار بیشتر در خاندان سلطنتی رواج داشته و به منظور استحکام و اقتدار سیاسی شاه بوده است. البته می‌توان نظیر آن را در دیگر جوامع باستانی و قرون وسطی نیز یافت.

نتیجه‌گیری

در پایان به این نتیجه می‌رسیم که نقش زنان در ایرانِ دورهٔ هخامنشی در ابعاد گوناگون مهم بوده و آنان دو کارکرد مهم داشته‌اند: یکی اینکه بزرگان با ازدواج با زنان خاندان سلطنتی از نوعی مشروعیت برای تصاحب تاج‌وتخت شاهی برخوردار می‌شدند، و دیگر اینکه برای استواری پادشاهی خود از ایزدبانو آناهیتا یاری می‌گرفتند. مردان می‌توانستند با ازدواج با زنان دربار، موقعیت خود را استوار سازند. مثالی در باب اهمیت این موضوع آن که می‌بینیم که نه فقط داریوش اول لازم می‌دید با ازدواج با دختران کوروش بزرگ به حکومت خود مشروعیت بخشد، بلکه اسکندر نیز لازم می‌دید که این کار را انجام دهد تا شاید حکومتش مورد تأیید ایرانیان قرارگیرد. پس زنان در انتقال مشروعیت سیاسی نقش اصلی را ایفا می‌کردند.

بنابر اطلاعات ما آتوسا دخترکورش بزرگ وکاساندان با برادر خود کمبوجیه ازدواج کرد و پس از مرگ او به گئوماته ملحق شد و پس از مرگ او به حرم داریوش رفت. منابع یونانی دربارهٔ قدرت و هوشمندی آتوسا متفق‌القول‌اند.[۶۰] آتوسا حتی موفق شد پسرش را پس از شوهرش داریوش بر تخت شاهی بنشاند که حاکی از قدرت و نفوذ اوست[۶۱] و در نمایشنامهٔ ایرانیانِ اسخلوس آتوسا به صورت زنی مقتدر نشان داده شده و حتی احتمال دارد نقشی در حملهٔ داریوش به یونان ایفا کرده باشد.[۶۲]

حاشیه

57. Polygamy

۵۸. برای مثال آرتنته این نقش را در دورهٔ هخامنشی اجرا کرد؛ رک. Herodotus IX. 108-113.

59. Herodotus I. 107-108.

60. Herodotus III. 134.1-6; Aelian, *Natura Animalium* 11.27.

61. R. Schmitt, "Atossā," *Encyclopedia Iranica*, ed. E. Yarshater, Vol. III, 1989, p. 14.

62. Herodotus III. 134.